

عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی از وضعیت و حقوق فردی-خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی، و اقتصادی خود (مورد مطالعه شهرستان دشتستان)

نوذر منفرد^{۱*}

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی شهرستان دشتستان از وضعیت و حقوق فردی-خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی خود، طراحی و اجرا گردید. در این پژوهش، داده‌ها با فن پیمایش و از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است، که روایی صوری آن با بهره‌گیری از نظرات اساتید و متخصصان رشته مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۸ تا ۰/۸۶ برای متغیرهای گوناگون تعیین گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل زنان روستایی متأهل شهرستان دشتستان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی، ۴۰۰ نفر از زنان روستایی شهرستان دشتستان انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای سواد زنان، درآمد زنان، میزان دسترسی آنها به رسانه‌ها و شرکت در کلاس‌های آموزشی از عوامل تأثیرگذار بر میزان آگاهی زنان روستایی از وضعیت و حقوق فردی-خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی آنان می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین میزان آگاهی فردی و خانوادگی زنان، و میزان آگاهی اجتماعی-فرهنگی آنان هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. ولی بین میانگین میزان آگاهی اقتصادی زنان با میانگین‌های آگاهی فردی و خانوادگی و میزان آگاهی اجتماعی-فرهنگی آنان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بعلاوه میانگین آگاهی اقتصادی زنان از دو دسته دیگر آگاهی‌های آنان بیشتر است. در پایان با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد شده است که با ایجاد مشاغل درآمدزا، گسترش و حمایت از تشکلهای مردمی زنان، تعاونیها و گروههای یاریگر، تأسیس مراکز آموزش فنی-حرفه‌ای برای زنان و دختران روستایی، تشویق و ترغیب مردان روستایی به سهمیم کردن زنان در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد و توسعه تشکلهای اجتماعی زنان نسبت به افزایش آگاهی زنان روستایی مبادرت شود.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، آگاهی اجتماعی، حقوق اقتصادی، شهرستان دشتستان.

۱ - دانشیار موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی، بوشهر، ایران.
* - مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: monfared90@yahoo.com

توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (خواجهنوری، ۱۳۷۶). اما در مورد زنان روستایی این موضوع اهمیتی دو چندان می‌یابد، زیرا زن بودن در دنیای امروز به خودی خود احتمال بودن در دایره فقر را افزایش می‌دهد (Chant, 2003). حال، زنان با زندگی در جوامع روستایی تجربه‌ای متفاوت از تبعیض و محرومیت را می‌چشند، زیرا آنان عهده‌دار فعالیت‌های اقتصادی‌ای هستند که منجر به کسب درآمد ملموس نمی‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا آنان موقعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری پیدا کنند، دسترسی و حاکمیت‌شان به منابع محدود شود (Kaur, 2005) و به این بیانجامد که کنترل زندگی و درآمدشان در دست مردان باشد (Afshar, 1998). از این رو سیاستگذاران بر آن شدند تا تمرکزشان را از برنامه‌هایی که به صورت قاعده کلی و در جهت رفاه خانواده‌ها بود و در آن مادر بودن مهم‌ترین نقش زنان روستایی در فرآیند توسعه فرض می‌شد، بردارند و نظریه‌های دیگری که به پایگاه زنان روستایی به عنوان تولیدکننده توجه دارند را مد نظر قرار دهند (Holtom et al., 1984). به اعتقاد برخی اندیشمندان، متغیرهای سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خودخواسته و یا دیگر خواسته، وجهه شغلی، مالکیت خانه و اموال فیزیکی بیانگر جایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد (Reddy et al., 1973). در تعهدات بین‌المللی، از جمله دستور کار ۲۱، مواردی چون شناخت نقش زنان، دسترسی و کنترل بر منابع، فقرزدایی از زنان با آموزش و کار، سازماندهی و قدرتمند کردن آنها به عنوان عوامل موثر در تحکیم جایگاه زنان برشمرده شده است (Wedo, 2004). آگاهی، یکی از معیارهای تواناسازی زنان است. برگر و لاکمن (چمبرز، ۱۳۷۶) به نقل از شوتس بیان می‌کنند که آگاهی شناختی است که کردار را در زندگی روزمره هدایت می‌کند و زندگی روزمره خود را به عنوان واقعیتی به نمایش می‌گذارد که توسط آدمیان تعبیر و تفسیر می‌شود و از لحاظ ذهنی به منزله دنیایی به هم پیوسته و منسجم برایشان معنی‌دار است. یکی از مشکلات زنان در جامعه ما این است که از حقوق اجتماعی و قانونی خود آگاهی ندارند و یا آگاهی آنان در سطح ناچیزی است. در بررسی علل ستم بر زنان نیز تنها

زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع نقش مهمی در جریان فرهنگ‌سازی و توسعه جوامع داشته و دارند. تحولات اخیر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، به خصوص بروز پدیده شهرنشینی نه تنها بر عادات و شیوه‌های رفتاری، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس مردمان اثر گذاشته است. همچنین تحول در نظام خانواده در جهان صنعتی امروز و نقش عظیم رسانه‌ها در تغییرات فرهنگی جوامع، تلاش در جهت شناخت اهمیت نقش زنان در جامعه و احقاق حقوق‌شان به عنوان یک انسان آزاد را الزامی کرده است. در صورتی که افراد از حقوق و تکالیف خود در روابط اجتماعی آگاهی داشته باشند، با تلاش برای حفظ حقوق خود، نسبت به رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیفی که جامعه بر عهده آنها قرار داده، احساس مسئولیت می‌کنند و به این ترتیب جامعه مسئولیت‌پذیر می‌گردد و هر فرد در هر جا و هر مقام به ایفای مسئولیت خود می‌پردازد. از آنجا که در بستر نیمه سنتی کشور ما هنوز اکثر زنان محدود به محیط خانه‌ها بوده و در قالب اجتماعی عرض اندام نکرده‌اند، پس در ارتباط با معضلات حقوقی که به تبع شرکت در اجتماعات و یا در صورت بروز مشکلات مشخص امکان ظهور می‌یابد را ندارند و این عدم ارتباط با دنیای اجتماعی مانع بزرگی در کسب آگاهی از حقوق‌شان بوده است (مهدوی و میرزاپور، ۱۳۸۸). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را در می‌یابند (محمودیان، ۱۳۸۲). بدین منظور از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان جامعه (که پیش از این از نظرها پنهان بود) در توسعه کشور و محل زندگی داشت زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ

فرد را نیز شامل می‌گردد، آگاهی به این مطلب اشاره دارد که فرد قبل از پذیرش یک نقش، بایستی بینش مثبت و خوبی نسبت به آن داشته باشد. البته در رابطه با مشارکت فعالانه زنان در امور توسعه، علاوه بر آگاهی فردی آگاهیهای اجتماعی نسبت به حقوق، ارزش و جایگاه والای خود در جامعه نیز ضروری است. چه بسا بسیاری از مشکلات زنان ناشی از این است که یکسری افکار و عقاید مخالف با توسعه زنان در جامعه وجود دارد. اصولاً بینش، ظرف و دانش و مهارت، مظلوف است. اگر این ظرف کوچک باشد، انجام هرگونه فعالیت و صرف انرژی در افزایش مظلوف عملی عبث و بیهوده است. ارتقاء آگاهیهای فردی و اجتماعی در رشتههای گوناگون از شروط اولیه برای توانسازی زنان و آمادهسازی آنان جهت مشارکت فعالانه‌تر در فرآیند توسعه است (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۳). مدتها تصور می‌شد که توانایی کار بستگی به قدرت بدنی دارد و چون زنان بار زیادی را نمی‌توانند تحمل کنند، پس برای کار مناسب نیستند. با توجه به اینکه امروز دیگر این عضلات نیستند که دنیا را می‌چرخانند بلکه این ماده خاکستری (مغز) است که هدایت دنیا را به عهده دارد، این مقوله یعنی ضعیف بودن جسمی زنان بی‌پایه است (زنجانی‌زاده، ۱۳۷۲). اثرات منفی عدم آگاهی نسبت به حقوق و جایگاه زنان و دختران، در جامعه به شیوه‌های مختلف بروز می‌نماید که برخی از نمودهای آن اشاره می‌شود. گاهی شرایط و امکانات آموزشی برای تحصیل دختران فراهم است ولی وجود برخی از افکار غلط مانند اعتقاد به ازدواج زودرس دختران. استفاده از دختر به عنوان یک بازوی اقتصادی، اعتقاد به عدم ضرورت آموزش برای دختران سبب می‌شود تا آنان از این موهبت بی‌بهره بمانند.

مهم‌ترین جنبه‌های آگاهی مورد نیاز زنان عبارتند از:

آگاهی‌های اقتصادی: در این تحقیق متغیر آگاهی اقتصادی به معنای میزان دانش و آگاهی زنان از حقوق اقتصادی خود می‌باشد که با ۸ گویه سنجیده شده است. گویه‌ها عبارتند از میزان آگاهی از حق داشتن شغل و درآمد، حق داشتن پس انداز، حق عضویت در تعاونی‌ها، حق برخورداری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ترویجی،

نمی‌توان به این امر بسنده کرد که حقوقشان در مقایسه با مردان کمتر است بلکه مسئله مهم عدم آگاهی از این حقوق است. عدم آگاهی افراد جامعه از حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از عوامل عقب‌ماندگی جامعه و زمینه‌ساز استبداد و سرکوب یک ملت و در نتیجه گرفتار شدن افراد جامعه در چرخه فقر، جهل و خشونت است. یکی از عوامل قانون‌شکنی، عدم اطلاع و آگاهی افراد از حقوق و مقررات است. برای اینکه قانون در جامعه حاکم باشد باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته باشند (مهدوی و میرزاپور، ۱۳۸۸). آگاهی از جنبه‌های گوناگون اهمیت می‌یابد، یکی آگاهی خود زنان نسبت به حقوق اجتماعی و درک ارزش و جایگاه واقعی و انسانی خویش در جامعه و خانواده است. این آگاهی شامل مسائل اقتصادی (امور تولیدی کشاورزی و...)، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود. بخش دیگری از آگاهی که باید وجود داشته باشد تا توانایی زنان در توسعه افزایش یابد، مربوط به افراد جامعه و به ویژه مردان می‌باشد. در واقع جامعه بایستی نگرش‌های منفی و بعضاً غیرانسانی که نسبت به زنان دارد را تغییر دهد تا زمینه برای مشارکت آگاهانه زنان در فرآیندهای توسعه فراهم شود و آنان بتوانند از توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش در جهت سازندگی خود و جامعه استفاده نمایند (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۳). عدم دسترسی زنان به انواع آموزش‌ها و یا دسترسی نامناسب آنان در برخی موارد باعث خواهد شد تا آگاهی آنها در امور مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، بسیار کم باشد. این ناآگاهی‌ها تا جایی ریشه دوانیده است که به صورت یک عنصر فرهنگی یا مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی درآمده است که مورد قبول و احترام احاد افراد جامعه از زن و مرد و کوچک و بزرگ می‌باشد. پل هریسون در مورد دسترسی نامناسب زنان به آموزش که خود علت پایین بودن آگاهیهای آنان در زمینه‌های گوناگون می‌تواند باشد، می‌گوید: «آموزش و پرورش راه بدست آوردن دستمزد، کارآیی و مهارت بیشتر است، اما در این راه برای زنان موانع بیشتری وجود دارد تا برای مردان (یونسکو، ۱۳۷۱). آگاهی مفهوم کلی و جامع‌تری نسبت به آموزش دارد و علاوه بر دانش و مهارت، بینش

(2007)، آگاهی‌های بیشتری درباره جامعه دارند و با در اختیار داشتن آزادی نسبی در حرکت، توانایی‌های خود را بهبود می‌بخشند.

یکی دیگر از زمینه‌های آگاهی که بایستی در زنان وجود داشته باشد تا بتوانند به صورت یک انسان پویا در زندگی فردی و اجتماعی خویش، تصمیمات واقع‌گرایانه‌ای را اتخاذ نمایند، آگاهی سیاسی است، که سبب می‌شود تا آنها کورکورانه در فرآیند توسعه مشارکت نکنند، بلکه با شناختی دقیق از کلیه جوانب آن، از هرگونه تلاشی فروگذار نکنند. در بسیاری از مواقع آگاهی‌های سیاسی که البته دامنه گسترده‌ای در امور گوناگون زندگی انسان دارد می‌تواند به صورت یک انگیزه قوی عمل کند و او را به انجام کارهای خارق‌العاده و فراتر از توان معمولی نیز وا دارد. آگاهی سیاسی و اجتماعی در بسیاری از جوامع سبب می‌شود تا انسان‌ها جان خود را نیز در راه هدف تقدیم کنند و از مرگ باکی نداشته باشند، پس چه بهتر که این نیروی قوی در خدمت توسعه درآید. کاری که با آگاهی صورت گیرد ضمانت اجرای دقیق، خوب و نتایج مطلوب دارد (شعبانعلی‌فمی، ۱۳۷۳).

دفاع از حقوق زنان باید با آگاه کردن آنان نسبت به این امر صورت گیرد که نخستین استعمار در تولید خانگی نهفته است که علت اصلی وضعیت حقیر آنها در دیگر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی است (زنجانی‌زاده، ۱۳۷۲). در بسیاری از کتب و منابع، مقدمه آگاهی در آموزش و در جوامع سنتی، سوادآموزی ذکر نشده است. فردی که باسواد شد و امکان ارتباط با یافته‌های علمی بشر و قوانین الهی دقیق و بدون تحریف را یافت، برای مشارکت در برنامه‌های توسعه آگاه‌تر و آماده‌تر است (شعبانعلی‌فمی، ۱۳۷۳). در مطالعه‌ای که توسط «انجمن جهان زنان جوان مسیحی» در سپتامبر ۱۹۸۸ صورت گرفته این نتیجه بدست آمد که زنانی که به سوادآموزی می‌پردازند، در جامعه و خانواده احترام بیشتری کسب می‌کنند، در کارهایی از شرایط و مهارت‌های بهتری برخوردارند و می‌توانند حقوق بیشتری دریافت کنند. همچنین متوجه می‌شوند که اکثر مشاغل که بطور سنتی فقط به مردان اختصاص دارد برای آنان نیز می‌تواند قابل

حق افتتاح حساب برای فرزند و خریدن خانه برای فرزند بدون دخالت پدر و عدم اجازه پدر برای برداشت از حساب فرزند یا فروش خانه، حق درآمدزایی زن خانه‌دار و حق بیمه زن خانه‌دار که با طیف لیکرت سنجیده شده است.

آگاهی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی: متغیر آگاهی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با ۱۳ گویه سنجیده شده است که عبارتند از میزان آگاهی زنان از حق رای دادن به انتخابات مختلف، حق مشارکت در تشکل‌های زنان، حق داشتن یا نداشتن حجاب، حق مشارکت سیاسی، حق سن مسئولیت کیفری، حق انتقال تابعیت به فرزند، حق تابعیت بعد از ازدواج، حق قصاص، انتقال حق بیمه و بازنشستگی زنان، تامین امنیت زن، حق تعرض پذیری مکاتبات، حق آزادی رفت و آمد که با طیف لیکرت سنجیده شده است.

آگاهی از حقوق فردی و خانوادگی: متغیر آگاهی از حقوق فردی و خانوادگی با ۱۵ گویه سنجیده شده است که عبارتند از میزان آگاهی زنان از داشتن حق ازدواج، حق تحصیل (دسترسی به آموزش)، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده راجع به ازدواج فرزندان، حق داشتن فرزند (تعداد فرزند یا عدم داشتن بچه)، حق انتخاب محل زندگی، حق طلاق، حق حضانت از فرزندان، حق ولایت بر سرپرستی فرزندان، حق نفقه مطابق با شرایط خانوادگی، حق روابط عاطفی با خانواده و دوستان، حق اجازه خروج از کشور، حق تفریحات سالم، حق معالجه بیماری‌های خود و فرزندان، حق انتخاب سن ازدواج بدون نظر پدر، حق ازدواج با فرد خارجی بدون اجازه وزارت خارجه که با طیف لیکرت سنجیده شده است.

از جمله عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی زنان، بالا بردن آگاهی اجتماعی آنان است، تحقیقات بسیاری این عامل را در افزایش توانمندی‌های زنان ثابت کرده‌اند (Chambers, 2000; Narayan et al., 1997; Friedmann, 1992). زیرا چارچوب‌هایی که جامعه به عنوان هنجار پذیرفته شده اجتماعی برای زنان تعیین می‌کند در زندگی آنان تاثیر زیادی دارد (Beteta, 2006). زنانی که با شبکه‌های اجتماعی بیشتری در تعامل هستند خدمات اجتماعی و گاهی اقتصادی بیشتری دریافت می‌کنند (Bali Swain,)

اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی داشته‌اند. نوری و غفاری (۱۳۸۶) در مطالعه خود پیرامون جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار: مطالعه موردی استان چهار محال و بختیاری به این نتیجه دست یافتند که عواملی چون میزان برخورداری از مهارت‌های عمومی و دسترسی یا کنترل بر منابع و عوامل تولید در جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی بسیار موثر است. از این رو عواملی چون ارتقاء سطح تحصیلات، برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی- ترویجی و فراهم ساختن زمینه افزایش دسترسی، کنترل و حتی تملک زنان روستایی بر منابع و عوامل تولید در ارتقاء جایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی موثر است. لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصاد روستایی و سهم آنان در این حوزه در استان فارس پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تحصیلات و مشارکت اقتصادی آنها رابطه معکوس وجود دارد. همچنین با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. با افزایش تحصیلات و درآمد مردان، مشارکت زنان کمتر می‌گردد. در نهایت مشخص شد که قوی‌ترین عامل تبیین‌کننده تغییرات میزان مشارکت اقتصادی زنان، نگرش آنها نسبت به شغل‌شان است. بیشتر مطالعاتی که در ایران در مورد زنان صورت گرفته است، بر روی اثبات این قضیه است که زنان روستایی ایران در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت بالایی دارند و یا مطالعه در خصوص عواملی است که اشتغال زنان روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خواجه‌نوری و حاتمی، ۱۳۸۶)، و کمتر به شکل تحلیلی و دقیق به سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و آگاهی آنان از حقوق خود پرداخته‌اند. بدین منظور هدف کلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر میزان آگاهی زنان روستایی از وضعیت و حقوق فردی- خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی، و اقتصادی خود می‌باشد که در راستای هدف کلی فوق اهداف اختصاصی زیر مد نظر می‌باشد.

- سنجش میزان آگاهی زنان روستایی منطقه دشتستان
- شناخت عوامل موثر بر آگاهی زنان روستایی دشتستان

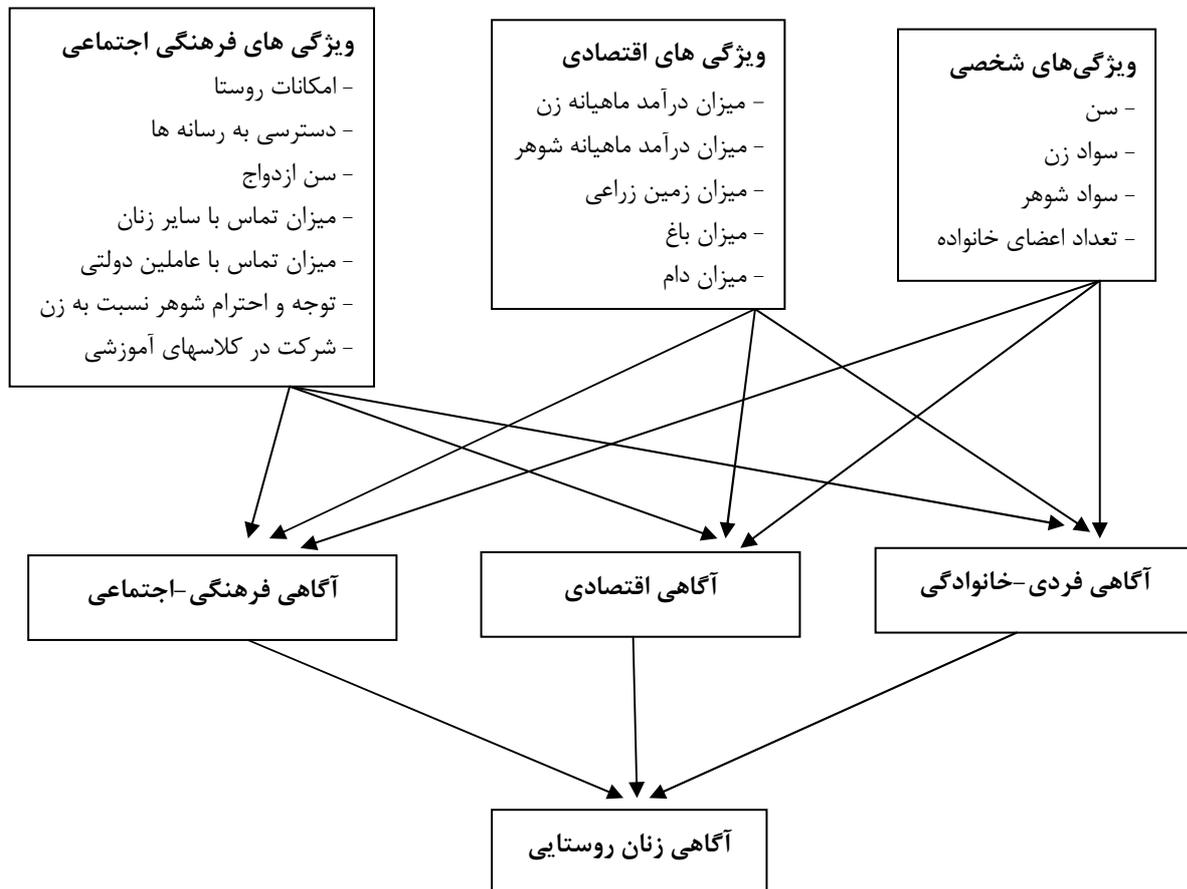
اجراء باشد. زنان برای اداره مشاغل کوچک، استعداد بهتری دارند و سوابق و امتیازات آن را برای خود محفوظ نگاه می‌دارند، می‌توانند نقش رهبری و مدیریت خود را تقویت کنند و به آگاهی‌های سیاسی، مشارکت و مهارت‌های سازمانی بیشتری برسند، حقوق خود را بهتر بشناسند و برای کمک به تحصیل فرزندان‌شان از موقعیت بهتر برخوردار گردند (لیند و جانستون، ۱۳۷۱). کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود به بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی زنان روستایی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که از جمله عامل بازدارنده توانمندسازی زنان، سواد پایین (Mayoux, 2000; Dunford, 2001; Malhotra *et al.*, 2002) اعتماد به نفس پایین (Blumberg, 2005) پایین بودن مهارت‌های تولیدی - اقتصادی (Acharya & Bennett, 1981) و عامل جنسیت (Bali Swain, 2007) نبود فرصت‌های شغلی برای زنان در روستا، عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین و عدم اعتماد مردان به زنان می‌باشند. همچنین آنها عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی زنان روستایی را شامل: عضویت در تعاونی‌های تولیدی (Bali Swain, 2007) تلاش به منظور افزایش مهارت‌های تولیدی دیگران، پس انداز پول جمعی، شرکت در کارهای عام‌المنفعه، همکاری با همسایگان و انجام فعالیت‌های درآمدزای گروهی بیان می‌کند. محققین با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد کرده‌اند که برنامه‌های ترویجی باید به شناسایی نیازها، اولویت‌ها، تنگناها و فرصت‌هایی بپردازد که توسط زنان اظهار می‌شود. همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی برای افزایش میزان سواد و آگاهی زنان و بالا بردن شناخت آنها از نیازها و توانایی‌های خود از جمله راهکارهای موثر در تواناسازی زنان می‌باشد.

سروش‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر بهبود آن پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که عواملی نظیر تحصیلات همسر، اعتماد به نفس، میزان پس‌انداز، مهارت‌های اقتصادی زنان، خود اثربخشی، نگرش جنسیتی، مشارکت اقتصادی و تحرک اجتماعی، اثر مثبت و معنی‌داری در سطوح مختلف بر احتمال بهبود پایگاه

عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی از...

همچنین، با مرور پیشینه‌نگاشته‌ها و مصاحبه‌های انجام شده، چارچوب نظری تحقیق مطابق با نگاره ۱، تدوین گردید.

- مقایسه میزان آگاهی زنان روستایی دشتستان از حقوق فردی-خانوادگی، حقوق اقتصادی و حقوق فرهنگی-اجتماعی خود



نگاره ۱- چارچوب نظری تحقیق

روش پژوهش

مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر میزان آگاهی زنان روستایی شهرستان دشتستان از وضعیت و حقوق فردی- خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی خود، طراحی و اجرا گردید. در این پژوهش، داده‌ها با فن پیمایش و از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. برای سنجش میزان آگاهی زنان مورد مطالعه در رابطه با وضعیت و حقوق فردی و خانوادگی از ۱۵ سوال در قالب طیف لیکرت استفاده شد که این ۱۵ سوال در رابطه با تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بود. همچنین برای سنجش میزان آگاهی زنان از وضعیت و حقوق خود در فعالیت‌های اقتصادی از ۸ سوال در قالب طیف لیکرت استفاده گردید، که در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی خانوادگی و محلی بود. بعلاوه برای سنجش میزان آگاهی زنان در رابطه با وضعیت و حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود نیز از ۱۳ سوال در قالب طیف لیکرت استفاده گردید که مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در روستا می‌باشد. ضمناً از مجموع این ۳ متغیر، متغیر کلی میزان آگاهی زن از وضعیت و حقوق خود بدست آمد. به منظور سنجش میزان روایی صوری پرسشنامه طراحی شده، از روش نظرسنجی اساتید صاحب‌نظر در مورد میزان اعتبار سوالات مطرح شده استفاده گردید. برای سنجش روایی پرسشنامه از روش نظرخواهی صاحب‌نظران و کارشناسان موضوع استفاده گردید. پایایی پرسشنامه با انجام یک مطالعه راهنما در خارج از نمونه اصلی و محاسبه ضریب کرونباخ آلفا (جدول ۱) برای متغیرهای پژوهش مورد تایید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل زنان روستایی متأهل شهرستان دشتستان می‌باشد. در ضمن، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده تصادفی استفاده گردید. بدین

ترتیب در سطح شهرستان، ابتدا از بین روستاهای شهرستان (۱۴۹ روستا) که به عنوان یک طبقه در نظر گرفته بودند، با توجه به جمعیت دهستان، تعداد ۴۰ روستا در ۹ دهستان شهرستان بصورت تصادفی انتخاب شد. سپس در هر روستا بصورت تصادفی با توجه به جمعیت زنان روستا، ۸ تا ۱۲ زن بصورت تصادفی انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در بخش سعدآباد ۸ روستا با ۸۰ نفر زن، در بخش شبانکاره ۱۱ روستا با ۱۱۰ نفر زن، بخش مرکزی، ۲۱ روستا با ۲۱۰ نفر زن، بعنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. بنابراین در مجموع ۴۰۰ نفر زن روستایی متأهل (ازدواج کرده) بعنوان نمونه تحقیق (عنصر مورد مطالعه) انتخاب شدند. اطلاعات حاصل از انجام این مطالعه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها و بحث

عوامل مؤثر بر میزان آگاهی‌های زنان

به منظور تعیین عوامل مؤثر بر میزان آگاهی‌های زنان، ضریب همبستگی بین عوامل و متغیرهای مختلف که به ۳ دسته کلی شامل ویژگیها یا متغیرهای شخصی، ویژگیها یا متغیرهای اقتصادی، و ویژگیها یا متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، تقسیم شده‌اند، محاسبه شد. سپس متغیر آگاهی کلی زنان از مجموع ۳ دسته آگاهی زنان (فردی و خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی) محاسبه شد و با انتخاب متغیرها و ویژگیهایی که رابطه معنی‌داری را با آگاهی‌های زنان نشان داده بودند، اقدام به محاسبه و تخمین معادل رگرسیونی شد تا سهم هر یک از عوامل در میزان آگاهی زنان تعیین شود.

جدول ۱- ضریب کرونباخ آلفا برای متغیرهای پژوهش

ضریب آلفا	متغیر
۰/۸۰	آگاهی از وضعیت و حقوق فردی و خانوادگی
۰/۷۸	آگاهی از وضعیت و حقوق اقتصادی
۰/۸۶	آگاهی از وضعیت و حقوق اجتماعی- فرهنگی

تأثیر عوامل ویژگی‌های شخصی بر آگاهی‌های زنان

رابطه بین ویژگی‌ها و عوامل شخصی با میزان آگاهی‌های فردی و خانوادگی، فرهنگی - اجتماعی، و اقتصادی زنان در جدول ۲ آورده شده است (نتایج آزمون پیرسون بین ویژگی‌ها و عوامل شخصی، و میزان آگاهی‌های مختلف زنان). همانطور که یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد بین متغیرهای سن و سواد زن با میزان آگاهی‌های فردی و خانوادگی آنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. همانطور که مشاهده می‌شود میان متغیر سن زنان با میزان آگاهی‌های فردی و خانوادگی آنان رابطه منفی معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. با مرور مجدد یافته‌های جدول ۲ مشخص می‌شود که متغیر سطح سواد زنان با آگاهی اقتصادی آنان نیز رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ دارد. متغیر دیگری که با آگاهی اقتصادی زنان رابطه دارد، تعداد اعضاء خانواده می‌باشد، که دارای رابطه منفی و معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ با آگاهی اقتصادی زنان است. یافته‌های جدول همچنین در مورد ارتباط بین متغیرها و ویژگی‌های شخصی با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان نشان می‌دهد که بین دو ویژگی سن و سطح سواد زنان با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی آنان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

تأثیر عوامل و ویژگی‌های اقتصادی بر آگاهی‌های زنان

نتایج آزمون ضریب همبستگی بین ویژگی‌ها و متغیرهای اقتصادی با آگاهی‌های فردی و خانوادگی، اقتصادی، و اجتماعی - فرهنگی در جدول ۳ آورده شده است. همانطور که نتایج جدول نشان می‌دهد، هیچ کدام از متغیرهای اقتصادی نظیر میزان درآمد ماهیانه زن، میزان درآمد ماهیانه شوهر، میزان زمین زراعی، میزان باغ، و تعداد دام خانواده، با میزان آگاهی فردی، خانوادگی زنان رابطه معنی‌دار ندارند. دو متغیر میزان درآمد ماهیانه زن و میزان درآمد ماهیانه شوهر با میزان آگاهی اقتصادی زنان رابطه معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ دارند. متغیر میزان درآمد ماهیانه زن با میزان آگاهی اقتصادی او رابطه مثبت و معنی‌دار دارد، بدین صورت که زنان شاغل بدلیل اشتغال در بیرون از منزل و فعالیت درآمدزا، دارای آگاهی اقتصادی بیشتری نسبت به زنانی که کار بیرون از منزل ندارند می‌باشند. همچنین متغیر میزان درآمد ماهیانه شوهر با میزان آگاهی اقتصادی زن رابطه منفی و معنی‌دار دارد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای شخصی زنان و میزان آگاهی فردی و خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی آنها (نتایج آزمون پیرسون)

برخی ویژگی‌های شخصی	آزمون پیرسون (ضریب همبستگی)	آگاهی فردی - خانوادگی	آگاهی اقتصادی	آگاهی فرهنگی - اجتماعی
سن	R	-۰/۲۵*	-۰/۱۱	۰/۲۱*
	P	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۵
سواد زن	R	۰/۳۱*	۰/۲۸*	۰/۲۶*
	P	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲
سواد شوهر	R	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۰۹
	P	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۷
تعداد اعضاء خانواده	R	۰/۰۹	-۰/۱۷*	۰/۰۸
	P	۰/۹۳	۰/۰۵	۰/۷

*معنی‌دار در سطح احتمال ۰/۰۵

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین متغیرهای اقتصادی زنان و میزان آگاهی فردی و خانوادگی، اقتصادی، و فرهنگی - اجتماعی آنها (نتایج آزمون پیرسون)

برخی ویژگی‌های اقتصادی	آزمون پیرسون (ضریب همبستگی)	آگاهی فردی و خانوادگی	آگاهی اقتصادی	آگاهی فرهنگی - اجتماعی
میزان درآمد ماهیانه زن	R	۰/۱۱	۰/۲۸*	۰/۲۱*
	P	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۵
میزان درآمد ماهیانه شوهر	R	۰/۰۹	-۰/۲۱*	-۰/۲۰*
	P	۰/۸۷	۰/۰۵	۰/۰۵
میزان زمین زراعی	R	۰/۱۲	-۰/۱۷	۰/۱۱
	P	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۹
میزان باغ	R	۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۰۹
	P	۰/۸۷	۰/۰۹	۰/۸۷
تعداد دام	R	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۱
	P	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۰۹

* معنی‌دار در سطح احتمال ۰/۰۵

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که از بین این متغیرها، دو متغیر میزان تماس زنان با عاملین دولتی و میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی با میزان آگاهی فردی و خانوادگی زنان رابطه دارند. متغیر میزان تماس زنان با عاملین دولتی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ با آگاهی زنان دارد. همچنین زنانی که بیشتر در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کنند دارای آگاهی بیشتری هستند. متغیرهای دسترسی زنان به رسانه‌ها، سن ازدواج زنان و شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی، با میزان آگاهی اقتصادی زنان رابطه مثبت و معنی‌دار دارند. دسترسی بیشتر زنان به رسانه‌ها نظیر رادیو و تلویزیون، کتاب، مجله و روزنامه سبب می‌شود تا زنان از آگاهی اقتصادی بیشتری برخوردار باشند. همچنین متغیر دسترسی زنان به رسانه با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ دارد، بدین معنی است که هر چه زنان دسترسی بیشتری به رسانه‌های ارتباط جمعی داشته باشند بر میزان آگاهی آنان افزوده می‌شود. متغیر شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی نیز با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی آنان رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ دارد و با افزایش شرکت زنان در کلاس‌های

همانطور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد بین دو متغیر فوق‌الذکر و میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان نیز رابطه وجود دارد. زنانی که دارای کار بیرون از منزل هستند و دارای درآمد می‌باشند، بدلیل ارتباط با خارج از منزل و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، از آگاهی اجتماعی - فرهنگی بیشتری نیز برخوردار هستند.

تأثیر عوامل و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی بر آگاهی‌های زنان

ویژگی‌ها و متغیرهای اجتماعی - فرهنگی که در این مطالعه رابطه آنها با میزان آگاهی‌های زنان مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از:

- امکانات روستا
- دسترسی زنان به رسانه‌ها
- سن ازدواج زنان
- میزان تماس با سایر زنان
- میزان تماس با عاملین دولتی
- توجه و احترام شوهر نسبت به زن
- شرکت در کلاس‌های آموزشی

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین متغیرهای فرهنگی- اجتماعی زنان و میزان آگاهی فردی و خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی آنها (نتایج آزمون پیرسون)

اجتماعی	برخی ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی	آزمون پیرسون (ضریب همبستگی)	آگاهی فردی - خانوادگی	آگاهی اقتصادی	آگاهی فرهنگی- اجتماعی
امکانات روستا	R	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۵
	P	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۸۷	۰/۰۹
دسترسی به رسانه ها	R	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۲۱*	۰/۳۱*
	P	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۱
سن ازدواج	R	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۹*	۰/۱۸*
	P	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۵
میزان تماس با سایر زنان	R	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۱۱
	P	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۱۳
میزان تماس با عاملین دولتی	R	۰/۲۱*	۰/۲۱*	۰/۰۹	۰/۲۱*
	P	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۸	۰/۰۴
توجه واحترام شوهر نسبت به زن	R	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۵
	P	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۰۶
شرکت در کلاس‌های آموزشی	R	۰/۲۳*	۰/۲۳*	۰/۲۸*	۰/۲۱*
	P	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱

معنی دار در سطح ۰/۰۵

متغیرهای شخصی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، به شیوه گام به گام (stepwise) وارد معادله رگرسیونی شدند و همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد، از بین متغیرهای مذکور، به ترتیب چهار متغیر سطح سواد زن، درآمد زنان، شرکت در کلاس‌های آموزشی، و دسترسی زنان به رسانه‌ها وارد معادله شده است. مقدار Beta در جدول نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف استاندارد در متغیرهای سطح سواد زنان، درآمد زنان، شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی، دسترسی زنان به رسانه‌ها به ترتیب سبب افزایش ۰/۳۹۲، ۰/۲۱۲، ۰/۲۱۰، ۰/۲۲۸ در انحراف استاندارد میزان آگاهی زنان می‌شود که باتوجه به معنی دار بودن T در کلیه متغیرهای مذکور، تأثیر این متغیرها در توضیح میزان آگاهی زنان، معنی دار است (نگاره ۲). همچنین، باتوجه به مقدار R^2 ، این متغیرها قادرند در مجموع ۳۸ درصد از تغییرات میزان آگاهی زنان را تبیین نمایند (جدول ۵).

آموزشی، میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی آنان نیز افزایش می‌یابد. بین متغیر میزان تماس زنان با عاملین دولتی در روستا و میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد، و هر چه زنان تماس بیشتری با عاملین دولتی داشته باشند از آگاهی اجتماعی- فرهنگی بیشتری برخوردار هستند. آخرین متغیری که با میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی‌دار دارد، متغیر سن ازدواج زن می‌باشد و زنانی که زودتر ازدواج کرده‌اند آگاهی اجتماعی- فرهنگی بیشتری دارند.

تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر آگاهی

به منظور تعیین اثرات توأم کلیه متغیرهای شخصی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر میزان آگاهی زنان و پیش‌بینی میزان تغییرات آن، اقدام به تحلیل و تخمین معادله رگرسیونی چند متغیره، بین این متغیرها و میزان آگاهی زنان (آگاهی کلی زنان) شد. در این تحلیل تمامی

جدول ۵- رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله‌ای به منظور تعیین تأثیر کلیه سازه‌های مؤثر بر میزان آگاهی زنان

متغیرهای مستقل	B	SE B	Beta	Sig.T
سطح سواد زن	۴/۳۳۱	۰/۹۳۸	۰/۳۹۲	۰/۰۰۰
درآمد زنان	۱/۸۰۰	۰/۶۸۶	۰/۲۱۲	۰/۰۱۰
شرکت در کلاس‌های آموزشی	۲/۶۱۶	۰/۶۲۹	۰/۲۱۰	۰/۰۱۱
دسترسی به رسانه‌ها	۱/۱۶۲	۰/۷۸۳	۰/۲۲۸	۰/۰۰۷

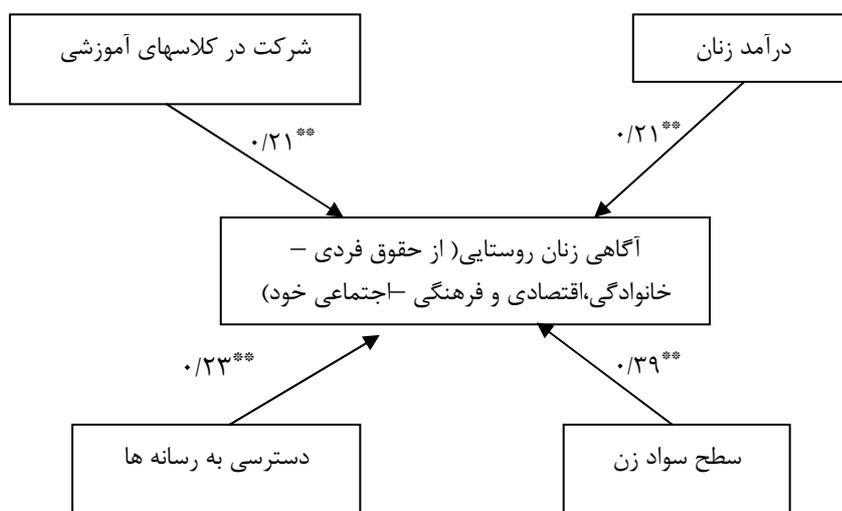
Constant = 25.738 ; F= 13.093 ; Sig. F=0.000

Summary

مرحله	Multiple R	R ²	R ² Adjust	R ² Changed
سطح سواد زن	۰/۴۹۷	۰/۲۴۷	۰/۲۳۹	۰/۲۴۷
درآمد زنان	۰/۵۵۹	۰/۳۱۲	۰/۲۹۸	۰/۰۶۵
شرکت در کلاس‌های آموزشی	۰/۵۸۷	۰/۳۴۴	۰/۳۲۳	۰/۰۳۲
دسترسی به رسانه‌ها	۰/۶۲۳	۰/۳۸۸	۰/۳۶۲	۰/۰۴۴

Variables not in the Equation

متغیرهای مستقل	Beta In	Partial	Min Toler	Sig.T
سن	۰/۰۸۲	۰/۱۰۳	۰/۹۸۷	۰/۳۲۶
درآمد شوهر	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۸۰	۰/۸۸
سن ازدواج	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۶۶	۰/۵۳
میزان تماس با عاملین دولت	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۷۸	۰/۱۸



نگاره ۲- عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی از حقوق فردی - خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی خود

مقایسه میزان آگاهی‌های زنان

به منظور مقایسه میانگین میزان آگاهی‌های فردی و خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی زنان روستایی مورد مطالعه از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید (جدول ۶). نتایج نشان می‌دهد بین میانگین میزان آگاهی فردی و خانوادگی زنان، و میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی آنان هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. ولی بین میانگین میزان آگاهی اقتصادی زنان با میانگین‌های آگاهی فردی و خانوادگی و میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی آنان تفاوت معنی‌دار وجود دارد و میانگین آگاهی اقتصادی زنان از دو دسته دیگر آگاهی‌های آنان بیشتر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش نشان داد میزان آگاهی‌های فردی و خانوادگی زنان با سن آنها رابطه منفی و معنادار و با سطح سواد رابطه مثبت و معنادار دارد. بعبارت دیگر زنان جوان از آگاهی‌های بیشتری نسبت به زنان مسن برخوردار بوده‌اند، از طرف دیگر هر چه زنان از سطح سواد بالاتری برخوردار بوده‌اند، میزان آگاهی فردی و خانوادگی آنان نیز بیشتر بوده است که این موضوع به خاطر برخورداری از آموزش و ارتباط با دیگران و مهمتر از همه توانایی خواندن و نوشتن می‌باشد. مطابق یافته‌های پژوهش میان آگاهی اقتصادی با تعداد اعضای خانواده رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بعبارت دیگر هر چه که تعداد اعضاء خانواده زنان بیشتر باشد، میزان آگاهی اقتصادی آنها کمتر می‌باشد که این می‌تواند بدلیل مشغله و گرفتاری بیشتر

زنان در خانه باشد. یافته‌ها همچنین در مورد ارتباط بین متغیرها و ویژگی‌های شخصی با میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی زنان نشان می‌دهد که بین دو ویژگی سن و سطح سواد زنان با میزان آگاهی اجتماعی- فرهنگی آنان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. سطح سواد بدلیل بالا بردن توانایی فرهنگی زنان و بالطبع مشارکت بیشتر آنان در اجتماع تأثیر مثبت بر میزان آگاهی اجتماعی، فرهنگی زنان داشته است. ضمناً با بالا رفتن سن زنان، سطح تماس‌های آنان در اجتماع بیشتر شده و می‌تواند بر میزان آگاهی اجتماعی، فرهنگی زنان تأثیر مثبت داشته باشد. نکته قابل ذکر این است که از مهمترین متغیرهای شخصی تأثیرگذار بر میزان آگاهی زنان، سطح سواد می‌باشد و با بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات زنان، میزان آگاهی آنان بیشتر می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد متغیر میزان درآمد ماهیانه زن با میزان آگاهی اقتصادی او رابطه مثبت و معنی‌دار دارد، بدین صورت که زنان شاغل بدلیل اشتغال در بیرون از منزل و فعالیت درآمدزا، دارای آگاهی اقتصادی بیشتری نسبت به زنانی که کار بیرون از منزل ندارند می‌باشند. متغیر میزان درآمد ماهیانه شوهر با میزان آگاهی اقتصادی زن رابطه منفی و معنی‌دار دارد. علت این است که در خانواده‌هایی که مردان دارای درآمد بالا و مکفی می‌باشند، معمولاً زنان کمتر دارای کار بیرون از منزل می‌باشند. زیرا در روستاها کار و فعالیت درآمدزای بیرون از منزل برای زنان اکثراً سخت می‌باشد. بنابراین در خانواده‌های با درآمد بالا، زنان کمتر به فعالیت بیرون از منزل مشغول می‌شوند و در نتیجه آگاهی‌های آنان در مورد فعالیت‌های اقتصادی زنان نیز کمتر می‌باشد.

جدول ۶- مقایسه میانگین امتیاز آگاهی زنان در زمینه‌های مختلف (نتایج تحلیل واریانس)

انحراف معیار	میانگین	آگاهی در زمینه
۷/۳۲	۲۳/۹۵ a*	حقوق فردی و خانوادگی
۵/۱۵	۳۲/۲۸ b	حقوق اقتصادی
۷/۶۸	۲۱/۱۰ a	حقوق اجتماعی- فرهنگی

* حروف یکسان بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=0.05).
F=7.64, P=0.00

زنان دسترسی بیشتری به رسانه های ارتباط جمعی داشته باشند بر میزان آگاهی آنان افزوده می شود. متغیر شرکت زنان در کلاس های آموزشی نیز با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی آنان رابطه مثبت و معنی دار در سطح ۰/۰۱ دارد و با افزایش شرکت زنان در کلاس های آموزشی، میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی آنان نیز افزایش می یابد. بین متغیر میزان تماس زنان با عاملین دولتی در روستا و میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی دار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد، و هر چه زنان تماس بیشتری با عاملین دولتی داشته باشند از آگاهی اجتماعی - فرهنگی بیشتری برخوردار هستند. آخرین متغیری که با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی دار دارد، متغیر سن ازدواج زنان می باشد و زنانی که زودتر ازدواج کرده اند، آگاهی اجتماعی - فرهنگی بیشتری دارند.

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- از آنجا که شرکت در کلاس های آموزشی دارای تاثیر مثبت و معنادار بر میزان آگاهی زنان می باشد لذا پیشنهاد می شود که دوره های آموزشی لازم در مورد مسائل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی با هدف بالا بردن آگاهی زنان از حقوق خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی خود برگزار شود.

- با توجه به تاثیر مثبت و معنادار درآمد زنان بر آگاهی آنان، پیشنهاد می شود که با تخصیص تسهیلات لازم نسبت به ایجاد مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی نظیر صنایع تبدیلی، صنایع دستی، ... مبادرت شود.

- با توجه به تاثیر مثبت سطح سواد زنان در میزان آگاهی های آنان، پیشنهاد می شود که با همکاری نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش نسبت به با سواد کردن زنان بیسواد روستایی اقدام شود.

- با توجه به نقش موثر رسانه ها در آگاهی زنان، پیشنهاد می شود که برنامه های رادیویی و تلویزیونی در این رابطه، بروشورها، مجلات و ... تهیه و در دسترس زنان روستایی قرار گیرد.

همانطور که یافته ها نشان می دهد بین دو متغیر فوق الذکر و میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان نیز رابطه وجود دارد. زنانی که دارای کار بیرون از منزل هستند و دارای درآمد می باشند، بدلیل ارتباط با خارج از منزل و مشارکت در فعالیت های اقتصادی، از آگاهی اجتماعی - فرهنگی بیشتری نیز برخوردار هستند. در خانوارهای با درآمد بالا نیز بدلیل عدم فعالیت اقتصادی بیرون از منزل زنان روستایی، زنان کمتر با محیط خارج منزل ارتباط برقرار می کنند و در نتیجه میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی آنها کمتر می باشد. نتایج نشان می دهد که از بین متغیرهای اجتماعی - فرهنگی، دو متغیر میزان تماس زنان با عاملین دولتی و میزان شرکت در کلاس های آموزشی با میزان آگاهی فردی و خانوادگی زنان رابطه دارند. زنانی که تماس بیشتری با عاملین دولتی در سطح روستا نظیر بهداشتیار روستا، معلمین و آموزشیاران نهضت سواد آموزی، کارشناسان زن سازمان جهاد کشاورزی و ... دارند، بدلیل ایجاد ارتباط و کسب اطلاعات از سطح آگاهی فردی و خانوادگی بالاتری برخوردار هستند. همچنین زنانی که بیشتر در کلاس های آموزشی شرکت می کنند دارای آگاهی بیشتری هستند. متغیرهای دسترسی زنان به رسانه ها، سن ازدواج زنان و شرکت زنان در کلاس های آموزشی، با میزان آگاهی اقتصادی زنان رابطه مثبت و معنی دار دارند. دسترسی بیشتر زنان به رسانه ها نظیر رادیو و تلویزیون، کتاب، مجله و روزنامه سبب می شود تا زنان از آگاهی اقتصادی بیشتری برخوردار باشند. زنانی که زودتر ازدواج کرده اند نیز از میزان آگاهی اقتصادی بالاتری برخوردار بوده اند که می تواند دلیل این باشد که زودتر وارد میدان زندگی و گرفتاریهای اقتصادی آن شده اند. زنانی که بیشتر در کلاس های آموزشی شرکت کرده اند مسلماً از اطلاعات و آگاهی های بیشتری نسبت به زنانی که در کلاس ها شرکت نمی کنند یا شرکت کمتری دارند، برخوردار هستند، که نتیجه آزمون نیز نشان دهنده این موضوع است. همچنین متغیر دسترسی زنان به رسانه با میزان آگاهی اجتماعی - فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی دار در سطح ۰/۰۱ دارد، بدین معنی است که هر چه

منابع

- چمبرز، ر. (۱۳۷۶). توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.
- خواجه نوری، ب. (۱۳۷۶). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.
- خواجه نوری، ب.، و حاتمی، ع. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان: مطالعه موردی استانهای غربی ایران (کرمانشاه، ایلام، کردستان). همایش انجمن جمعیت شناسی ایران.
- زنجانی زاده، ه. (۱۳۷۲). بررسی موانع نظری و عملی افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، مجله زنان. شماره ۱۰.
- سروش مهر، ه.، رفیعی، ح.، کلانتری، خ.، شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان). پژوهش های روستایی، جلد ۱، شماره ۱: صص ۱۶۶-۱۴۳
- شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۷۳). نظریه های سیاستگذاری برای جهان سوم (قسمت دوم). ماهنامه جهاد، سال ۱۴، شماره ۱۷۰، صص ۳۹-۳۲.
- لهسایی زاده، ع.، جهانگیری، ج.، و خواجه نوری، ب. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)، جامعه شناسی/ایران، سال ۶، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۲۴.
- ل، آجنتا و ج، آنتون (۱۳۷۱). سواد آموزی بزرگسالان در جهان سوم. ترجمه: مرتضی مشتاقی. تهران: انتشارات مدرسه.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۲). بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانها در سالهای ۵۵، ۶۵ و ۷۵، پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱۱، صص ۲۱۸-۱۸۹.
- مهدوی م. ص. و میرزاپور، ف. (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی و قانونی خود. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول، صص ۵۰-۲۹.
- نوری، ه.، و غفاری، ه. (۱۳۸۶). جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار: مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامه روستا و توسعه. سال ۹، شماره ۳، صص ۲۸-۱۶.
- یونسکو (۱۳۷۱). زنان و محیط زیست. مجله پیام. شماره ۲۶۲.

- Acharya, M., Bennett, L. (1981). Rural Women of Nepal: An Aggregate Analysis and Summary of 8 Village Studies. The Status of Women in Nepal. Vol. II, Part 9: Field Studies. Centre for Economic Development and Administration. Kathmandu: Tribhuvan University.
- Afshar, H. (1998). Women and Empowerment: Illustrations from the Third World, Macmillan Publication, London, UK.
- Bali Swain, R. (2007). Impacting Women through Microfinance, Dialogue, Appui au Developpement Autonome, 37: 61-82.
- Beteta, H. C. (2006). What is Missing in Measures of Women's Empowerment?. *Human Development*, 7(2): 221-241.
- Blumberg, R., L. (2005). Women's economic empowerment as the magic potion of development. Paper presented at the 100th annual meeting of the American sociological association, Philadelphia, USA.
- Chambers, R. (1997). Who's Reality Counts? Putting the First Last. London: ITDG Publishing.
- Ant, S. (2003). Female Household Headship and the Feminization of Poverty: Facts, Fiction and Forward Strategies. Gender Institute, London School of Economics.
- Dunford, C. (2001). Building better lives, sustainable integration of microfinance and education in child survival, reproductive health, and HIV/Aids prevention for the poorest entrepreneurs. Micro credit Summit Campaign:1-32.
- Friedmann, John. (1992). *Empowerment: The Politics of Alternative Development*. Cambridge, MA: Blackwell Publishers.
- Holtom, D. (2004). Coercion and Consent: The World Bank in Tanzania, 1970- 2001, Ph.D. diss. Centre for Development Studies, University of Wales, Swansea, UK.

- Kaur, A., Sherbinin, A., Toure, A., Jensen, L. (2005). *Economic Empowerment of Women*. United Nations Population, Fund 220 East 42nd Street New York, New York 10017(UNPF).
- Malhotra, A., Schuler, S. R., Boender, C. (2002). Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Gender and Development Group. World Bank, DC, 28 June:1-58.
- Mayoux, L. (2000). *Microfinance and the Empowerment of Women: A Review of the Key Issues*. Social Finance Unit, Working Paper, 23, Geneva: ILO.
- Narayan, D., Patel, R., Schafft, K., Rademacher, A., and Koch-Schulte., S. (2000 b). *Voices of the Poor: Can Anyone Hear Us?* New York, N.Y. Published for the World Bank, Oxford, University Press. Available at: http://www.glopp.ch/A1/en/multimedia/A1_1_voices.pdf
- Narayan, Deepa; Robert, Chambers; Meera, K. Shah and Patti Petesch.(2000 a). *Voices of the Poor: Crying Out for Change*. World Bank Series, Oxford University Press.
- Richard, D. R., Feredonia, S., Smith, D. (1973). Why do people participate in voluntary action? *Extension*, 11(4): 35-40. Available at: <http://www.joe.org/joe/1973winter/1973-4-a5.pdf>.
- Women's Environment and Development Organization (WEDO). (2004).paper available at: www.wedo.org.

Factors Affecting Rural Women's Awareness of the Status and Rights of the Individual - Family, Socio -Cultural, and Economic

N. Monfared^{1*}

(Received: Jun. 09, 2012; Accepted: Jun. 22, 2013)

Abstract

The purpose of this study is investigating factors affecting rural women's awareness about their individual-family, economical and socio-cultural status and laws. A survey was conducted using stratified random sample of 400 rural women in Boushehr province. Data were collected through a questionnaire that its validity was tested by faculty. Also, the reliability of different scales used in the study were between 0.78 to 0.86. The finding revealed that level of education, income, access to media and participation in educational classes have influence on women's awareness about their status and laws. Also, the results showed that there is no significant difference between the mean of women's awareness about their individual-family and their socio-cultural status and laws. But, a significant difference was seen between the mean of women's awareness about their economical laws with their individual-family and socio-cultural laws. Based on these results, to increase women's awareness about their status and laws, the study suggested creating new jobs, establishing production cooperative, increasing number of agents in rural areas and increasing supports for public groups and increasing the role of women in decision making.

Keywords: Rural Women, Social Awareness, Economic Status, Dashtestan.

1- Associate professor of Institute of Applied Scientific Higher Education, Bousher, Iran.

* -Corresponding Author, E-mail: monfared90@yahoo.com.